

زیست‌بوم

ال‌نینو: پنج گزاره برای دولتمردان

ایمان‌باثانان

دانشیار اقلیم‌شناسی پژوهشکده اقلیم‌شناسی مشهد

۱. طی پنج دهه گذشته، اقلیم حدود یک‌چهارم از شهرهای کشور حداقل به یک طبقه اقلیمی خشک‌تر تنزل پیدا کرده است؛ کرمانشاه، سنندج، خرم‌آباد، گرگان، چنودر و بیرجند، برخی از این شهرها هستند. در صورت ادامه وضع موجود انتشار گازهای گلخانه‌ای، این مقدار به نیمی از شهرهای کشور در میانه قرن حاضر و تمام شهرها در انتهای قرن حاضر تسری پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر در انتهای قرن حاضر، اقلیم تمامی شهرهای کشور حداقل به یک طبقه اقلیمی خشک‌تر تنزل می‌کند و این شرایط تا دو قرن آینده نیز ماندگار خواهد بود. حتی عمل همه کشورها به تعهدات توافق‌نامه اقلیمی پاریس درخصوص کاهش گازهای گلخانه‌ای، تنها موجب تأخیر یک دهه‌ای در خشکیدگی اقلیم کشور خواهد شد.

۲. از دهه ۵۰ خورشیدی تا دهه اخیر تعداد، مدت و شدت امواج گرمایی در سطح کشور به ترتیب سه‌وینم برابر، یک روز و نیم درجه افزوده شده است. اما فاجعه واقعی زمانی رخ می‌دهد که سامانه اقلیم از «استانه‌های سناریوی مشابه وضع موجود انتشار گازهای گلخانه‌ای» میانگین مدت امواج گرمایی از کمتر از یک هفته در اقلیم کنونی به حدود یک ماه در میانه و یک فصل در انتهای قرن حاضر و فراتر از یک فصل در دو قرن آینده خواهد رسید. این وضعیت به معنی غیرقابل سکونت شدن بخش زیادی از مناطق مسکونی و فروپاشی ظرفیت‌های اقلیمی کشور در بخش‌های حیاتی مانند کشاورزی، محیط زیست و منابع آب خواهد شد.

۳. اما فاجعه واقعی زمانی رخ می‌دهد که سامانه اقلیم از «استانه‌های بی‌بازگشت» عبور کند؛ یعنی نقاط عطفی که عبور از آنها موجب فروپاشی یا شکست در سامانه اقلیم در مقیاس جهانی یا منطقه‌ای می‌شود. نمونه مقیاس جهانی آن، پیش‌بینی فروپاشی جریان‌های اقیانوسی اطلس شمالی (AMOC) به عنوان موتور اصلی جو در تولید جریان‌های آب و هوایی بزرگ‌مقیاس باران‌زا، از جمله برای حوضه مدیترانه، غرب آسیا و ایران است. سامانه اقلیم در خاورمیانه و ایران در حال نزدیک شدن به این نقاط شکست هستند؛ از آن جمله: نخست، جابه‌جایی شمال‌سوی آرام سیستم‌های کم‌فشار مدیترانه‌ای که کاهش بارش در شرق حوزه مدیترانه و ایران را در پی دارد؛ دوم، گسترش شمال‌سوی پرفشار جنب حاره که مانعی برای ورود پهنکام سامانه‌های کم‌فشار در فصل پاییز و تأخیر در آغاز بارش‌های پاییزه کشور خواهد بود؛ سوم، تضعیف پرفشارهای مهاجر دریای سیاه و خزر در فصول سرد سال ناشی از گرمایش جهانی که پیامد آن ازبین‌رفتن یکی از منابع اصلی بارش‌های خزری و فروپاشی تدریجی جنگل‌های هیرکانی است؛ و چهارم، تضعیف کم‌فشارهای تلفیقی سودانی-مدیترانه‌ای که یکی از مهم‌ترین عوامل بارش‌های فراگیر در کشور است.

۴. عصر تغییر اقلیم در ایران، با آینده‌ای خشک‌تر ولی با بارش‌های سنگین‌تر و ناپدیدشدن تدریجی برف در اغلب مناطق مشخص می‌شود. از طرفی افزایش دمای سطح آب شمال اقیانوس هند و دیگر پهنه‌های آبی در جنوب کشور، افزایش توفان‌های حاره‌ای در کشورهای حاشیه اقیانوس هند- از جمله مناطق ساحلی و فراساحلی در جنوب شرق و شرق کشور -را به دنبال دارد، هرچند چنین افزایشی مانع خشک‌سالی در این مناطق نیست. در چنین شرایطی، «آبخیزداری» به‌عنوان مؤثرین جایگزین برای مهار بارش‌های سنگین و نفوذ تدریجی آنها برای تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی و جلوگیری از فرونشست زمین است. در اقلیم آینده «آبخیزداری» نه یک اقدام محلی، بلکه یک راهبرد ملی برای تبدیل یک تهدید اقلیمی (بارش‌های سیل‌آسا) به یک فرصت (تغذیه سفره‌های زیرزمینی) است.

۵. ال‌نینو یک رخداد اقلیمی گذرا در مقیاس فصل است، اما تغییر اقلیم سنگین‌تر و ناپدیدشدن تدریجی برف در اغلب مناطق مشخص می‌شود. نشان از تفکر کوتاه‌مدت آنان دارد. اگر امروز، تغییر اقلیم به عنوان یک اولویت ملی و ستون اصلی برنامه‌ریزی بلندمدت برای سازگاری با آن در نظر گرفته نشود، فردا تمدن ایران را نشانه خواهد رفت.

خبر

جذب معلم از میان دانش آموزان عشایری

ایسنا: معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه به دنبال این هستیم که از بوم‌عشایر برای کودکان عشایری معلم جذب کنیم، گفت: «با هماهنگی سازمان امور عشایر و حمایت معاونت توسعه روستایی ریاست‌جمهوری، به دنبال معلم از میان دانش‌آموزان عشایری هستیم که یکی از بهترین مدل‌هایی است که در گذشته نیز پاسخ‌داده است»، رضوان حکیم‌زاده با اشاره به وضعیت آموزش عشایری گفت: «حدود ۲۱۱ هزار دانش‌آموز عشایری در سراسر کشور داریم که در بیش از هفت هزار مدرسه عشایری تحصیل می‌کنند». او افزود: «بسیاری از این مدارس کم‌جمعیت هستند و می‌توانند یک کلاس چندپایه داشته باشند، اما با توجه به تأکید وزارت آموزش و پرورش بر فراهم‌کردن حق آموزش برای همه فرزندان ایران، آموزش عشایر نصادی از عدالت آموزشی و ایجاد فرصت دسترسی برای کودکان عشایر است». معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش ادامه داد: «سرانه مدارس عشایری سه برابر سرانه مدارس عادی است و اعتبار کیفیت‌بخشی به مدارس عشایری نیز ۱۳ برابر شده است. به دنبال این هستیم که از بوم‌عشایر برای کودکان عشایری معلم جذب کنیم. سهمیه‌ای برای خدمت در مناطق عشایری اختصاص داده شده، اما در گذشته به این موضوع که حتما نیرو از میان دانش‌آموزان عشایری جذب شود، توجه کافی نشده و همین مسئله باعث شده بود برخی نیروهایی که از این سهمیه استفاده می‌کنند، به دلیل آشنانبودن با زیست‌بوم عشایر، ماندگاری لازم را نداشته باشند». او افزود: «با هماهنگی سازمان امور عشایر و حمایت معاونت توسعه روستایی ریاست‌جمهوری، به دنبال جذب معلم از میان دانش‌آموزان عشایری هستیم که یکی از بهترین مدل‌هایی است که در گذشته نیز پاسخ داده است». حکیم‌زاده با اشاره به توسعه آموزش متوسطه در مناطق عشایری ادامه داد: «در کنار ایجاد فرصت دسترسی، توسعه متوازن رشته‌ها نیز در دستور کار است و به دنبال افزایش هنرستان‌ها و مدارس شبانه‌روزی هستیم که در هر دو مورد در سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشتیم. تعداد هنرستان‌ها نیز از ۱۳۱ به ۱۶۷ هنرستان افزایش پیدا کرده است». معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش درباره آمار مدارس ابتدایی و عشایری افزود: «در دوره ابتدایی ۷۱هزارو ۵۸۹ مدرسه در مناطق روستایی و شهری فعال است. همچنین هفت‌هزارو ۷۲ مدرسه عشایری با ۱۴هزارو ۷۸۸ کلاس در مناطق عشایری داریم و مجموع دانش‌آموزان عشایری ۱۱۱هزارو ۹۳ نفر است». حکیم‌زاده گفت: «۲۶۶ مدرسه شبانه‌روزی عشایری نیز برای دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه فعالیت می‌کنند».

نسترن فرخه: ترس از دست‌دادن شغل، حتی بعد از سال‌ها

شاغل‌بودن، هنوز نگرانی اصلی بسیاری از متولدین دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است. حتی بخشی از آنها به سال‌های بازنشستگی نزدیک می‌شوند و با این حال هنوز این ناامنی شغلی را تجربه می‌کنند. بعضی از آنها می‌گویند دیگر فرصتی برای ریسک‌کردن ندارند و باید تا آخرین سال‌های زندگی برای تأمین هزینه زندگی به کار ادامه دهند. بخش درخور توجه روایت‌های این گزارش نشان می‌دهد بیشتر این افراد بعد از سال‌ها تلاش برای ورود به بازار کار و داشتن سابقه کاری، همچنان نگران بیکاری‌اند و این نگرانی در شرایط جنگی و شدت تورم اقتصادی کشور به اوج خود رسیده است. مرکز آمار ایران پیش از این اعلام کرده بود نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۵ به ۹.۱ درصد رسیده، شمار شاغلان ۴۵۰ هزار نفر کم شده و مشارکت اقتصادی افت کرده است. این آمار نشان از چالش‌هایی جدی در بازار کار برای این افراد دارد.

جوان ترها موفق‌تر هستند

«زهر» با ۳۱ سال سن، مدتی است در یکی از شرکت‌های استارت‌آپی مشغول است. او شرایطش را با همکاران کوچک‌تر از خودش مقایسه می‌کند: «من از سال ۹۹ وارد فضای استارت‌آپی شدم و تاکنون به‌عنوان کارشناس فعال بودم، اما در بین همکارانم، افرادی هستند که زیر ۲۶ سال دارند و الان کارشناس ارشد مجموعه شده‌اند. در حالی که من فارغ‌التحصیل دانشگاه تهرانم و تلاش بیشتری می‌کنم، اما یک موضوع مهم، حداقل در فضای کاری ما، وجود دارد؛ همکاران دهه‌هشتادی قدرت چانه‌زنی بیشتری برای دریافت حقوق و رتبه کاری دارند که من در خودم نمی‌بینم. برای همین در همان دوره تعدیل‌های چند ماه قبل، استرس بالایی داشتم که نکند تعدیل‌کنند. به خودم می‌گفتم بعد از این همه درس‌خواندن و تلاش برای رسیدن به شغل مورد علاقه‌ام، حالا باید نگران از دست دادن آن باشم».

کسی به هسالان ما کار نمی‌دهد

«سارا» ۴۳ سال دارد و خودش را در گروه همان متولدان دهه ۶۰ می‌داند که همچنان در ناامنی شغلی به سر می‌برند: «از ۲۲سالگی شروع به کار کردم. کارم را با فروشندگی در یک مغازه عتیک‌فروشی آغاز کردم و بعد از چند سال هم وارد شرکت وارداتی و مشغول به کار شدم. از اولین روز کاری تا الان که ۴۳ساله‌ام، هیچ بیمه‌ای نداشتم و الان بابت این موضوع خیلی پشیمانم. ترس از اینکه اگر یک روز ازکارافتاده شوم و نتوانم کار کنم، ویرانم می‌کند. از طرفی، در روزهای جنگ که همه‌جا نیروها را تعدیل می‌کردند، نگران همین موضوع بودم که نکند کم‌کم من هم بیکار شوم. هرچند این ترس همیشه با من است. از طرفی، از این سن واقعا به سختی می‌توان کار پیدا کرد. واقعیت این است که جایی منتظر یک زن میانسال نیست و همه جوان‌ترها را جذب کار می‌کنند. برای همین می‌دانم باید تا آخرین روز کار کنم، چون پشوانه‌ای ندارم».

مدیرم از خودم جوان‌تر است

«جواد» حالا ۱۰ سال سابقه کار دارد و سه سالی است که در یک شرکت آتی مشغول به کار شده. او می‌گوید: «یک روزهایی واقعا فکر می‌کنم با ۳۲ سال سن، چقدر مسیر زندگی را اشتباه رفتم. الان مدیرم متولد ۱۳۷۷ است و من با دو سال سن بیشتر باید از او اطاعت کنم. دقیقا همان روزهایی که به اجبار خانواده دانشگاه رفتم و بعد هم سربازی، نسل بعدی در حال کسب مهارت برای ورود به بازار کار بود. اسمال در مجموعه دو بار شاهد تعدیل نیرو بودیم. در بین همه ما، سه برنامه‌نویس ده‌هشتادی بدون ترس کارشان را می‌کردند؛ چون متخصص هستند و حتی اگر تعدیل شوند هم سن کمی دارند و دوباره جای جدید استخدام می‌شوند. اما در گذشته موقعیت‌های دیگر، محدودیت سن گذاشته‌اند و حتی سن ما را هم جذب نمی‌کنند، با اینکه سن زیادی هم نیست. این در حالی است که در کشورهای دیگر به کمترین چیزی که اهمیت می‌دهند سن است. همین موضوع باعث شد بعد از جنگ به شکل جدی‌تری به مهاجرت فکر کنم».

تخصیص بالاتر از نیاز است

«نسرین» کارشناس تولید محتواست و هفت سالی است که در این حوزه فعال می‌کند. او ۳۲ ساله است و می‌گوید: «بعد از شروع جنگ که بیکار شدم، از استرس بی‌پولی برای شرکت‌های زیادی رزومه فرستادم، ولی هیچ‌جا قبول نشدم و هر روز برایم ایمیل می‌آمد که رزومه‌هایی که ارسال کردم، رد شده‌اند. جنگ که تمام شد و شرایط بازار بهتر شد، چندتایی تماس گرفتند که برای مصاحبه کاری بروم. شرایط‌شان بد بود، ساعت‌های کاری زیاد و حقوق‌های پایین که حتی هزینه رفت‌وآمد هم نمی‌شد. در کنارش رفتارهای توهین‌آمیز برخی از آنها واقعا اذیت‌کننده بود. تنها یکی از این موقعیت‌ها از همه بهتر بود که در مصاحبه گفتند سطح من بالاتر از موقعیت شغلی‌ای است که آنها دنبالش هستند

و من واقعا می‌خواستم آنجا مشغول شوم که نشد. حس عجیبی داشتم؛ از آن حس تحقیری که همه جواب رد داده بودند. تازه یادم آمده بود که من متخصص حرفه‌ای هستم و از طرفی به آن کار نیاز داشتم و باز هم بیکار ماندم».

یاد گرفته‌ایم فقط «چشم» بگوییم!

«سعیده» معلمی ۴۰ساله است. از روزهای بعد از فارغ‌التحصیلی شروع به تدریس کرده و خودش می‌گوید مدرس بهترین مدارس تهران بوده، اما درآمدش پاسخ‌گوی نیازهای اولیه‌اش هم نیست: «بعد از سال‌ها تحصیل برای معلمی و مشغول‌شدن در مدارس، درآمدم اصلا به خرج زندگی نمی‌رسد. جواب این همه علاقه و تلاش من برای معلمی نباید این باشد. در بین همکارانم زنان متولد دهه ۷۰ زیادند و پویایی بهتری دارند. می‌بینم که پروژه‌های آموزشی کنار کار تدریس قبول می‌کنند و رفتار متفاوتی هم در محیط کار دارند. هم‌سن‌های من فقط یاد گرفته‌اند «چشم» بگویند و حتی مطالبه نکنند و این در کار کاملا مشخص است. برای همین شرایط سخت کاری را ما زودتر می‌پذیریم و شاید نسل‌های بعدی آن را نپذیرند. نمونه آن معلم‌هایی‌مانند خودم هستیم که سال به سال شرایط کاری‌مان سخت و سخت‌تر می‌شود».

دهه‌شصتی‌هایک روز بازار را تغییر داده‌اند

«حامد بیدی»، مدیر استارت‌آپ اجتماعی کارزار، به دلیل فعالیتش در حوزه فناوری و مسائل اجتماعی، با نسل‌های مختلفی ارتباط دارد و در مورد تفاوت حضور متولدان دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ در بازار کار به «شرق» می‌گوید: «مسئله، تا حد زیادی همان تفاوت کلاسیک میان نسل‌هاست. هر نسل جدیدی که وارد بازار کار می‌شود، به دلیل اقتضانات سنی، زمان بیشتری که از اختیار دارد و آشنایی بیشتر با فناوری، به‌طور طبیعی نسل‌های قبلی را نگران می‌کند. زمانی که دهه‌شصتی‌ها وارد بازار کار می‌شدند، بحث زیادی درباره آنها در ایران شکل گرفته بود. از منظر سیاسی و اجتماعی از آنها به‌عنوان نسل سوم نام برده می‌شد و در حوزه‌های مختلف پیشگام بودند. آن زمان تازه اینترنت آمده بود و استفاده از کامپیوتر در حال فراگیرشدن بود. هر جایی که این نسل وارد می‌شد، با کمک ابزارهای دیجیتال و کامپیوتری جدید، مناسبات و قواعد قبلی را برهم می‌زد و به همین دلیل به ابتکارعمل‌های این‌چنینی شناخته می‌شدند. همین اتفاق امروز درباره دهه‌هشتادی‌ها در حال رخ‌دادن است. بسیاری از دهه‌هشتادی‌ها، بومی دیجیتال هستند؛ به این معنا که از ابتدای زندگی با اینترنت و دسترسی به تلفن همراه مواجه بوده‌اند. این مسئله می‌تواند در نگرش افراد، مهارت‌های عمومی و توانایی کار با فناوری و همچنین میزان آگاهی عمومی نسبت به موضوعات مختلف تأثیر بگذارد. بنابراین بازیگران جدیدی که بر فناوری تسلط بیشتری دارند، می‌توانند نقش پررنگ‌تری در بازار کار ایفا کنند. هر نسلی وقتی وارد بازار کار می‌شود، بازی‌های قبلی را برهم می‌زند و ابتکارعمل‌های جدیدی را روی میز می‌گذارد. کم‌اینکه دهه‌شصتی‌ها هم نسبت به نسل‌های قبلی خودشان چنین وضعیتی داشتند».

بیدی به شرایط کاری این دهه‌ها اشاره می‌کند: «دهه شصتی‌ها معمولا مسئولیت‌های بیشتری در زندگی شخصی دارند و در مقایسه با دهه هشتادی‌ها زمان کمتری برای به‌روزرکردن مهارت‌های خود دارند. درحالی‌که جوان‌ترهایی که مشغله‌های کمتری دارند، به محض اینکه یک به‌روزرسانی نرم‌افزاری یا خبر جدیدی در هر زمینه‌ای می‌آید، سریع می‌توانند آن را بررسی کنند، یاد بگیرند و در کار و حرفه‌شان به کار ببرند. در کنار مسئله فناوری، جسارت و رویکرد نسل‌های جوان اهمیت دارد که تصویر اجتماعی این نسل با جسارت بیشتر گره خورده است».

بافزایش سن، قدرت ریسک‌پذیری کم می‌شود

بیدی از تفاوت میزان اضطراب بین این دهه‌ها می‌گوید: «فردی که خانواده و تعهدات مالی بیشتری دارد، در صورت از دست دادن شغل با هزینه و نگرانی بیشتری مواجه می‌شود؛ در مقابل، یک فرد جوان‌تر ممکن است هنوز ازدواج نکرده باشد یا با خانواده زندگی کند و در نتیجه، در صورت از دست‌دادن شغل، برای مدتی امکان تحمل شرایطش بیشتر است. این فراغت بال باعث می‌شود فرد بتواند ریسک‌های بیشتری هم کند و ناگفته پیداست که اساسا کار افراد بتوانند ریسک‌های بیشتری کنند، احتمالا امکان رشد و جهش آنها بیشتر می‌شود. در مقابل، افرادی که درگیری بیشتری با زندگی، هزینه‌های مخارجی که باید تأمین کنند دارند، قدرت ریسک‌پذیری‌شان کمتر می‌شود و این باعث می‌شود دیرتر و کمتر سراغ مهارت‌های جدید بروند. البته غیر از بحث فناوری و ارتقای مهارت‌ها، خصوصا در حوزه فناوری اطلاعات که این موضوع خیلی ملموس‌تر است، شاید در حوزه صنعت، تجارت یا بخش‌های دیگر بازی متفاوت باشد. مثلا در حوزه تجارت ممکن است هنوز

خبرخوان

امکان توسعه خدمات بیمه‌ای دندان پزشکی نیست

ایسنا: مدیرعامل سازمان بیمه سلامت با بیان اینکه با میزان درآمد مردم کشور، هزینه‌های دندان‌پزشکی بالا قلمداد می‌شود، گفت: اگرچه بسته پیشنهادی بیمه سلامت برای پوشش خدمات دندان‌پزشکی به شورای عالی بیمه ارائه شده، اما در حال حاضر به‌دلیل محدودیت منابع، امکان توسعه این خدمات وجود ندارد. محمدمهدی ناصحی، درباره پوشش بیمه‌ای خدمات دندان‌پزشکی، تأکید کرد: «دندان‌پزشکی در تمام دنیا از جایگاه خاصی در بیمه‌ها برخوردار است که عمدتا بیمه‌های معمولی این خدمات را پوشش نمی‌دهند و تحت پوشش بیمه‌های تکمیلی قرار دارند. تعداد خدمات دندان‌پزشکی ۲۰ مورد است؛ در حالی که حدود ۱۴ خدمت را تحت پوشش قرار می‌دادیم. بیمه سلامت در راستای ارائه خدمات دندان‌پزشکی به زنان باردار و کودکان بسیار توجه می‌کند». او با بیان اینکه ارائه خدمات دندان‌پزشکی در مراکز بهداشتی برای گروه هدف رایگان است، ادامه داد: «بسته‌های ارائه خدمات دندان‌پزشکی (آآماده‌کرده بودیم و بنا به تکلیف قانونی که بر عهده داریم، به شورای عالی بیمه ارائه کردیم. بیمه سلامت هم یکی از پایه‌های ارائه کارشناسی این قضیه بود، حدود دو تا سه سال از زمان پیشنهاد این بسته‌ها می‌گذرد اما اولویت‌های بیشتری در کشور وجود دارد که با توجه به منابع موجود، با بسته‌های دندان‌پزشکی چندان موافق نیستند». ناصحی درباره آمار افرادی که به دلیل گرانی خدمات دندان‌پزشکی برای درمان مراجعه نمی‌کنند، تأکید کرد: «آماری در دسترس نیست؛ اما تعداد این افراد کم نیست. هزینه‌دندان‌پزشکی یکی از هزینه‌های بالای پزشکی نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان به حساب می‌آید. هزینه‌های دندان‌پزشکی با توجه به میزان درآمد مردم کشور ما بالا قلمداد می‌شود». او ادامه داد: «امیدوارم با افزایش منابع بتوانیم در ارتباط با پوشش بیمه‌ای خدمات دندان‌پزشکی جراید یبندیشیم. بسته پیشنهادی بیمه سلامت به شورای عالی بیمه، یک بسته خوب بود. هزینه‌های آن بسته به نحوی نبود که کشور در شرایط عادی نتواند از پس آن برآید. امضا پیتعا در حال حاضر، جای هیچ توسعه‌ای در ارائه خدمات وجود ندارد. البته پیش از این با صرفه‌جویی در سایر حوزه‌ها می‌توانستیم بخشی از خدمات دندان‌پزشکی را پوشش دهیم».

کمبود مراکز نگهداری سالمندان

ایرنا: مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور در امور سالمندان و معلولان با اشاره به کمبود ظرفیت مراکز نگهداری سالمندان، گفت: «اکتون حدود ۲۰ هزار سالمند در منزل خدمات دریافت می‌کنند اما بسیاری از منازل برای ارائه خدمات مراقبتی به سالمندان مناسب نیست». حسین نجوی‌نژاد با اشاره به اینکه برخی سالمندان در انجام بخشی از فعالیت‌های روزمره زندگی نیازمند کمک هستند، ادامه داد: «طبق آمار، دست‌کم ۶۰۰ هزار سالمند نیازمند مراقبت هستند که این مراقبت می‌تواند از مراقبت شبانه‌روزی تا مراقبت‌های ساعتی متفاوت باشد». او ادامه داد: «محیط بیرون از خانه نیز از نظر مناسب‌سازی، ترافیک، عبور و مرور و دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی آدامگی لازم برای حضور سالمندان را ندارد». نجوی‌نژاد با تأکید بر ضرورت استفاده از ظرفیت خانواده‌ها برای مراقبت از سالمندان افزود: «اگر خانواده تمایل دارد از سالمند خود مراقبت کند، وظیفه جامعه، حاکمیت مردم این است که از این ظرفیت حمایت کنند. به جای آنکه منابع زیادی برای ایجاد آسایشگاه‌های سالمندان صرف شود، باید شرایطی فراهم شود که سالمند تا حد امکان در خانواده و جامعه حضور داشته باشد؛ زیرا زندگی در مراکز نگهداری می‌تواند سالمندان را از جامعه دور کند». او یکی از الزامات حمایت از سالمندان در خانواده را حل مسئله بیمه مراقبتی دانست و گفت: «بیشتر سالمندان دارای بیمه پایه و بسیاری از آنها دارای بیمه تکمیلی هستند، اما این بیمه‌ها عمدتا هزینه خدمات درمانی مانند تصویربرداری و جراحی را پوشش می‌دهند، در حالی که به سرمایه‌گذاری کمتر می‌توان از بسیاری از بیماری‌ها پیشگیری کرد». به گفته او، نظام بیمه سلامت باید از ساختار درمان‌محور به سمت ساختار سلامت‌محور و پیشگیری‌محور حرکت کند و برای این فرد، پیش از رسیدن به سالمندی و برنامه‌ای تعریف شود تا بخشی از منابعی که تحت عنوان بیمه برای او سرمایه‌گذاری شده است، در مسیر پیشگیری از بیماری مورد استفاده قرار گیرد.